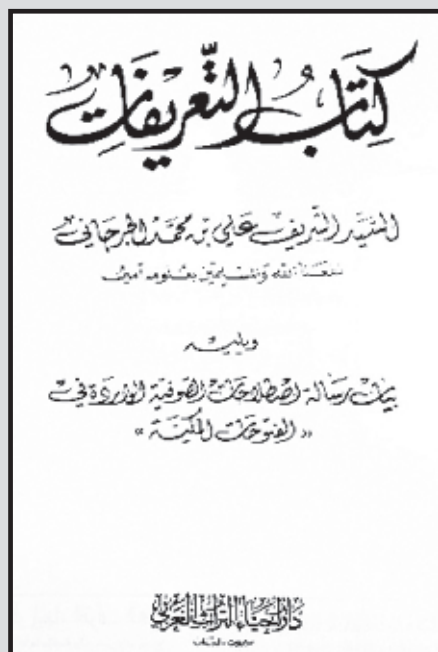


# نگاهی به کتاب التعريفات جرجانی<sup>۱</sup>



محمدانصار\*



## چکیده

التعريفات از کتاب‌های مهم برای آشنایی با تعریف برخی از اصطلاحات علوم دینی و فرقه‌های اسلامی است که به زبان عربی و به قلم میرسیدشریف جرجانی (۷۴۰-۸۱۶ ق) نوشته شد. خلاصه‌نویسی، تقدم تاریخی نسبت به سایر آثار، معرفی فرقه‌های گذشته و پرهیز از قضاوت درباره آن‌ها و مسائل اختلافی میان مذاهب، ارائه تعاریف ویژه از اصطلاحات و... از نقاط قوت کتاب و گزینش و چینش نامعلوم اصطلاحات از نقاط ضعف آن است.

در این پژوهش، ابتدا وضعیت چاپ و نشر این کتاب، به صورت گذرا، توضیح داده می‌شود. سپس با ذکر مثال، به بررسی

ساختاری آن، خواهیم پرداخت، لذا ارزیابی محتوایی مورد نظر نیست.

\*کارشناس ارشد فقه و  
میانی حقوق اسلامی

## کلید واژگان

التعريفات، جرجانی، فرقه‌های اسلامی، علوم دینی و ادبی.

## الف- چاپ کتاب التعریفات

نسخه‌های خطی کتاب «التعریفات» در کتابخانه‌های ملک، مجلس شورای اسلامی، مرکزی دانشگاه تهران و مرعشی نجفی در قم موجود است. در قاهره، سن پترزبورگ، آستانه و... چاپ سنگی شد.<sup>۲</sup> در بیروت، در سال ۱۴۰۵ قمری به کوشش ابراهیم ایاری در ۳۶۰ صفحه به چاپ رسید. در این چاپ، اصطلاحات کتاب، از واژه «ابق» آغاز و با «یونسیه» پایان می‌یابد.

همچنین این کتاب به کوشش موريس گلوتن «Maurice gloton» به زبان فرانسه، ترجمه و در سال ۱۳۷۳ در ۵۴۹ صفحه بوسیله مرکز نشر دانشگاه تهران منتشر شد بر این کتاب پی‌یر لوری مقدمه‌ای نوشت که در سال ۱۳۸۱ در مجله معارف به فارسی ترجمه شد.

در ایران در سال ۱۳۷۰ به وسیله انتشارات ناصرخسرو در قطع وزیری به همراه رساله «اصطلاحات صوفیه الواردة فی فتوحات المکیه» اثر ابن عربی در ۱۲۰ صفحه به چاپ رسید. در این کتاب، اصطلاحات از واژه «ابتدا» آغاز و با «یونسیه» پایان می‌یابد.

در سال ۱۳۷۷ از روی چاپ ابراهیم ایاری، به کوشش حسن سیدعرب و سیما نوربخش به زبان فارسی ترجمه شد و آن را نشر فرزانه در قطع وزیری و ۱۹۷ صفحه به چاپ رساند. البته مترجمین به دلیل اغلاط این چاپ، از نسخه‌های دیگری برای ترجمه کمک گرفتند. ضمناً بنابر گزارش سامانه کتابخانه ملی ایران، این اثر یکبار در سال ۱۳۶۰ به همت عمران عزیزاده ترجمه شده بود، لذا مترجمین نشر فرزانه، کار نو و جدیدی انجام ندادند. ترجمه نشر فرزانه، اشتباهات فراوانی دارد که در این جا، مجال پرداختن به آن نیست.

به گفته مدرس تبریزی کتاب التعریفات در استانبول به چاپ رسیده است،<sup>۳</sup> او تاریخ چاپ آن را نگفت. به نظر می‌رسد که منظور او چاپی است که در سال ۱۳۲۷ هجری توسط مطبعه احمد کامل همراه با شرح و تعلیقاتی ارزنده انجام شده بود. پژوهشگران ارجمند آقایان شکیبانی و پورجوادی که به تفصیل به کتابشناسی میرسیدشریف، پرداخته‌اند به این چاپ اشاره‌ای نکرده‌اند.<sup>۴</sup> نسخه‌ای از این چاپ در کتابخانه شخصی محمدکاظم مداح موجود است که اکنون در کتابخانه میرداماد گرگان نگهداری می‌شود. اگر آن را با چاپ ابراهیم ایاری مقایسه کنیم، تفاوت‌هایی خواهند داشت که به برخی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد:

۱- در چاپ ناصرخسرو (سال ۱۳۷۰)، در ذیل اصطلاح شیعه عبارتی آمده، که در چاپ استانبول نیست. این عبارت چنین است: اعتقدوا ان الامامه لا تخرج عنه و عن اولاده (یعنی آن‌ها معتقدند که امامت از حضرت علی و اولاد ایشان بیرون نخواهد رفت).

۲- در چاپ ناصرخسرو (سال ۱۳۷۰) در تعریف اصطلاح عاشر (هو من نصبه الامام ...) واژه امام آمده، که در چاپ استانبول نیست.

۳- در چاپ ناصرخسرو (سال ۱۳۷۰) در تعریف خوارج (... من غیر اذن سلطان) واژه سلطان آمده که در چاپ استانبول نیست.

## ب- محتوای کتاب التعریفات

در این کتاب، قریب به ۱۵۰۰ واژه و اصطلاح به ترتیب حروف الفبا تعریف می‌شوند. اما ترتیب واژگانی که دو یا سه حرف اول آن‌ها یکسان بوده، به شیوه فرهنگ‌نامه‌ها یا لغت‌نامه‌های امروزی نیست، لذا یافتن اصطلاحات مورد نظر، کمی دشوار است. مطالب آن را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

## ۱- تعریف اصطلاحات

در کتاب التعریفات، قریب به هزار اصطلاح دینی و ادبی، تعریف می‌شوند که این تعداد، نسبت به همه اصطلاحات، اندک است. برای مثال، بسیاری از اصطلاحات باب حج (احرام، تلبیه، تقصیر، حلق، عمره مفرده، اضطباع، طواف) یا ایام خاص (لیله المبیت، ایام البیض و...) یا اماکن جغرافیایی جهان اسلام (مکه، مدینه، کوفه ...) یا قواعد فقهی و فلسفی شرح داده نشده‌اند.

اصطلاحات علم عرفان و فقه، بیشتر از سایر علوم (صرف، نحو، تفسیر، کلام، عرفان، منطق، فلسفه، ادبیات) است. زیرا به اعتقاد دانشمندی مانند پی‌یر لوری، این کتاب، کمک‌درسی طلاب بوده و برای رفع نیازهای واقعی و ملموس نوشته شده بود.<sup>۶</sup> از این جهت، گاهی اصطلاحات نادر فقهی (المکاری المفلس، عقر و...) و حتی اصطلاحات باب‌العق (آبق، ضال، غره، قن، مدبر، غلت، استیلا و...) تعریف می‌شوند. ضمناً تعداد محدودی از اصطلاحات علم اصول فقه شرح داده شده‌اند مانند: فساد وضع، مفهوم مخالف، سبر و تقسیم، قیاس، استصحاب تخصیص و...

علم عرفان برای خودسازی و شناخت حق تعالی است. تعریف‌هایی که جرجانی ذیل اصطلاحات عرفان و تصوف، سودمندترین بخش کتاب او را تشکیل می‌دهد.<sup>۶</sup> خلاصه اینکه ظاهر و باطن انسان با کمک دو علم فقه و عرفان اصلاح خواهد شد از این جهت در کتاب التعریفات به آن‌ها توجه بیشتری شده است.

هدف جرجانی، باعث شده تا کتاب مختصری بنویسد و آن را التعریفات بنامد، یعنی به تعریف اصطلاحات، بسنده و از بیان جزئیات و مسائل فنی خودداری کند. مثلاً در ۵ کلمه، معنای جهاد را می‌نویسد: هو الدُّعاء الی دینِ الحقِّ (خواندن به سوی دین حق). بیشترین توضیحات درباره اصطلاحات: عقل، نفس، قیاس، توبه، مجاز و علم است.

در بیشتر موارد، تعاریف جرجانی، یکسان یا تقریباً مشترک با قدماست. گاهی برای روشنگری اصطلاحات (مانند: تفکر، تقوی، یقین، توبه، تصوف و...) نظرات مختلفی را می‌آورد. اگر اصطلاحی چند معنایی باشد، به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. مثلاً معنای فقهی اصطلاحاتی مانند احتیاط، استطاعت، تقلید، حجاب، وکلی و... یا معنای کلامی اصطلاحاتی مانند: امام، رجعت، غیبت و... توضیح داده نشده است. گاهی (احتمالاً از روی فراموشی) یک اصطلاح را با مشتقات آن، در دو جا توضیح می‌دهد. یعنی تکرار مباحث را در ذیل اصطلاح می‌بینیم

در حالی که می‌توان با ارجاع، از تکرار جلوگیری کرد. (مانند: وکیل، توکیل - نفاق، منافق - مرسله من الاملاک، الاملاک المرسله - اصحاب، صحابی - تواتر، متواتر - اسراف، مسرف).

در برخی موارد ابتدا معنای لغوی و سپس اصطلاحی آن را می‌آورد. از کاستی‌های مهم در التعریفات، اول این بوده که نویسنده، جمع اصطلاحات (مکسر، سالم) را نگفته است. دوم این که اصطلاحات را تعریف کرده، بدون آن که بگوید که آن به کدام علم مربوط است؟ برای نمونه خواننده از کجا بداند که تعریف ایشان ذیل اصطلاح قناعت مربوط به علم عرفان است! جرجانی در مقدمه می‌گوید که برای نگارش این اثر، از کتب القوم بهره گرفته است، اما توضیحی درباره آن نمی‌دهد، حتی در متن، منابع گفتارهایش را نمی‌آورد. اما در آن از دانشمندانی همچون ابن‌درید، ابوحنیفه، ابویوسف، شافعی، کلبی، فراء، ضحاک، وطواط، سیبویه، فضیل بن عیاض، ابوعلی دقاق، ابن‌حاجب، ابن‌عربی و ... نام می‌برد که این کار نشان دهنده آگاهی او از آثار پیشینیان است.

از نکات مهمی که او در نظر داشته، این است که به مباحث اختلافی میان مذاهب فقهی، اشاره‌ای نمی‌کند، یعنی توضیحات اصطلاحات فقهی، غالباً مشترک میان مذاهب می‌باشد، در تعریف آن‌ها مطالبی را می‌نویسد که آن‌را همه مسلمانان قبول دارند. مثلاً از اعضاء مسح برای وضو، انسداد یا انفتاح باب اجتهاد، تعداد و عبارات اذان، منابع استنباط احکام، حجیت استحسان و برهان سبر و تقسیم، اعتبار نکاح متعه، تعداد روزهای اعتکاف و ... سخن نمی‌گوید. از این فراتر این که، اصطلاحات خاص مذاهب، کمتر آورده می‌شود؛ مثلاً برخی از اصطلاحات خاص شیعه مانند (خمس، متعه، قنوت، تقیه و...) نیامده است. البته اصطلاح خمس (از واجبات فقه شیعه) مستقلاً در این کتاب تعریف نشده، اما در ذیل واژه غنیمت، بدان اشاره شده است.

گاهی جرجانی موفق نبوده است و نظرات دو تن از ائمه اربعه (شافعی و حنفی) و فقهای اهل سنت را می‌آورد. این مسأله، می‌تواند نظر کسانی که جرجانی را اهل سنت می‌دانند، تأیید کند. او بنا بر نظر مورخ هم‌عصرش (سناوی)، حنفی‌مذهب بوده است. ۲ البته نشانه‌هایی هم در این کتاب هست که می‌توانیم نظر سناوی را بپذیریم:

۱- او در ذیل اصطلاح اجماع مرکب، می‌گوید که نزد ما استفراغ، ناقض وضو است. مسلم است که این مورد، در نزد حنفیان و حنبلیان، ناقض وضو است و در سایر مذاهب چنین نیست.

۲- تعریف اصطلاحاتی مانند: بدعت، سنت، شبهه، شفاعت، صلاه، طلاق، فسادالوضع، مجتهد، خبر، عرف و ... مطابق با نظر اهل سنت می‌باشد.

۳- هیچ یک از دانشمندانی که نامشان در التعریفات آمده، شیعه نیستند. کم نبودند دانشمندان شیعه‌ای که قبل از جرجانی آمدند و باسوادتر از او بودند مانند شیخ طوسی، شیخ مفید، علامه حلی، سیدمرتضی و ...

۴- جرجانی همراه با نام پیامبر، جمله صلی الله علیه و سلم (بدون آله)، نام صحابه و امام علی به ترتیب جمله رضی الله عنهم و رضی الله عنه را می آورد. در مقابل نام پیامبران (یوسف، نوح، شیت و...) و ائمه طاهرین چیزی نمی نویسد.

## ۲- معرفی فرقه‌ها

در این کتاب، به معرفی برخی از فرقه‌های اسلامی پرداخته می‌شود، جرجانی در عباراتی کوتاه، نام مؤسس فرقه و دیدگاه آن‌ها را درباره اصول دین، بدون تأیید یا رد آن، می‌آورد. گاهی به فتاوی خاصشان اشاره می‌کند. مانند: فرقه رزامیه، میمونیه و... منابع اصلی او در معرفی فرقه‌ها عبارتند از: الملل والنحل (شهرستانی)، الفرق بین الفرق (بغدادی)، فرق الشیعه (نوبختی).

معرفی فرقه‌ها به سبب اهمیت تاریخی آن‌ها نیست، بلکه به سبب این است که معرفی نوعی نظریه اعتقادی‌اند که اسلام اکثریت آن‌ها را نمی‌پذیرد.<sup>۷</sup> از این جهت در این کتاب به زمان و مکان پیدایش فرقه‌ها اشاره‌ای نشده و حتی ممکن است که آن‌ها سال‌ها قبل از حیات مؤلف، نابود شده باشند. به سخنی دیگر، هدف جرجانی، طرفداری از فرقه خاصی نیست، بلکه صرفاً مطالب مطرح شده بیانگر این واقعیت است که اسلام تا قرن هشتم با تعدد فرقه‌ها و تكثر آراء روبه‌رو بوده است.

دلیل گزینش فرقه‌ها، روشن نیست. زیرا تا قرن هشتم هجری (حیات جرجانی) فرقه‌های بی‌شماری آمدند، در حالی که او، ۶۰ فرقه را معرفی می‌کند. برای توضیح بیشتر، باید بگویم که در دوره جرجانی، رساله‌ای بدون نام اثر و نویسنده به قلم حسین بن شمس حسینی استرآبادی کتابت شد که در آن‌جا به معرفی و توضیح عقاید ۷۳ فرقه اسلامی پرداخته شده است. بین این رساله و کتاب التعریفات، فقط ۱۰ فرقه (جبریه، جهمی، قدریه، مرجئه، خازمیه، اباضیه، نجاریه، شیعه، امامیه، اسمعیلیه) مشترک بوده و باقی، فرقه‌های دیگری هستند. البته جرجانی، فرقه خازمیه را به شعبیه و شعبیه را به میمونیه ارجاع می‌دهد و فرقه نجاریه را با اهل سنت، هم‌فکر می‌داند، لذا آن‌ها توضیح مستقل و مفیدی نخواهند داشت. ناچار این سؤال پیش می‌آید که چرا در یک عصر، دو پژوهشگر به فرقه‌شناسی می‌پردازند، اما ۹۰ درصد فرقه‌هایی که نام می‌برند مشترک نیستند! خلاصه این‌که نسبت فرقه‌هایی که در رساله التعریفات، معرفی شده‌اند، با آن‌چه را که در آن رساله آمده، عموم و خصوص من وجه است، به سخنی دیگر، فرقه‌هایی هستند که در کتاب التعریفات، نامشان آمده، ولی آن‌جا نیست و فرقه‌هایی هستند که در آن‌جا یاد شده و نامشان در کتاب التعریفات، نیست. ضمناً فرقه‌های بی‌شماری هستند که نامشان در هر دو اثر نیست، برخی از آن‌ها عبارتند از: افضحیه، زیدیه، کرامیه، کازرونیه، اشاعره، قرامطه، فاطمیان، سلفیه، ماتریدیه، طحاویه، ثعالیه، نجدات، صفریه، ضراریه، ظاهریه و....

بنابر نظر جرجانی، مسلمانان به دو گروه (اهل الاهواء و اهل الحق) تقسیم می‌شوند. اهل

الاهواء ۶ فرقه (جبریه، قدریه، روافض، خوارج، معطله، مشبهه) هستند. هر کدامشان، ۱۲ شاخه دارند. آن‌ها مقابل اهل‌الحق (فرقه اهل سنت و جماعت) هستند. جمعاً ۷۳ فرقه خواهند شد. کتاب التعریفات، مدخل یا درآمدی با نام اهل سنت و جماعت ندارد، فقط ذیل اصطلاح «اهل‌الحق» از آن‌ها نام برده و چیزی درباره آن‌ها نگفته است، جز این که آن‌ها را بر حق دانسته است. حتی مذاهب اربعه اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی) مدخلی ندارند، اما مدخلی با نام شیعه وجود دارد. گویا اهل سنت فقط یک فرقه دارد. او درباره ۳ فرقه اصلی اهل‌الاهواء (روافض، معطله، مشبهه) چیزی نمی‌نویسد و برای فرقه خوارج، تعریف ناشناخته‌ای ارائه می‌کند. البته شاید بتوان دو فرقه معطله و مشبهه را به ترتیب، در زیرمجموعه دو گروه جهیمیه و مرجئه قرار داد.

از نکات مهمی که ایشان در نظر داشته، این است که بدون هیچ ملاحظه و قضاوتی، انواع فرقه‌ها را، با هر دیدگاهی که داشته، معرفی می‌کند مانند:

۱- فرقه‌هایی که امام علی(ع) را تکفیر کرده‌اند. مانند: اباضیه، ازرقه، کاملیه.  
 ۲- فرقه‌هایی که نسبت به امام علی(ع) غلو کرده‌اند. مانند: بیانیه، غرابیه، سبئیه، نصیرییه، اسحاقیه.

۳- فرقه‌هایی که هیچ یک از خلفای راشدین، را قبول ندارند. مانند: سلیمانییه، عمرویه.  
 بررسی صحت نظر جرجانی و همه‌ی آنچه را که در ذیل فرقه‌ها نوشته است، مجال دیگری می‌طلبد، اما از یک مورد، نمی‌توان گذشت و آن توضیحات ایشان، ذیل فرقه امامیه است. او مذهب شیعه را به درستی معرفی می‌کند، اما مطالب ایشان ذیل فرقه امامیه، مربوط به فرقه خوارج است، نه شیعه! این اشتباه جرجانی، جای تأمل دارد. ضمناً مدخل اهل بیت را در این کتاب نمی‌بینیم.

روشی که جرجانی در پیش گرفته، نظریه پی‌یر لوری را خدشه‌دار می‌نماید، زیرا قضاوت نکردن درباره‌ی عقاید فرقه‌ها، شبهات ذهنی طلاب را افزایش می‌دهد. مثلاً چگونه می‌توان عقاید خاص فرقه یزیدیه را بدون پاسخ گذاشت؟

### ۳- معانی لغت

از مطالب جالب کتاب التعریفات، این است که معانی برخی از واژگان در چند کلمه، آورده می‌شود. کتاب لغت‌نامه دهخدا از این جهت همانند التعریفات است، با این تفاوت که در التعریفات اصطلاحات بیشتر از لغات است. ناگفته نماند که کتاب التعریفات، از منابع مهم لغت‌نامه دهخدا است.

در این کتاب، گاهی معانی لغات روشن و بدیهی است و آوردنش عجیب! مانند: شمس، نار، قهقهه، زوج، مکعب، سمع، شر، شفقت، شمس، نوم، صالح، تکرار، شرب، تفهیم، اول و.. از طرفی دیگر، واژگانی را می‌بینیم که امروزه کاربردشان اندک است. مانند اهاب (اسمی برای پوست دباغی شده) کستیج (کمربند)، نهرج (درهم قلبی)، المفتی الماجن (مجتهد دیوانه) و...

## نتیجه

جرجانی در مقدمه‌ی کوتاه کتاب التعریفات، چیزی در مورد این کتاب نگفته تا بتوانیم جواب پرسش‌های مان را دریافت کنیم. از جمله آن‌ها، این است که ملاک گزینش لغات، فرقه‌ها و اصطلاحات چه بود؟ بر حسب گمان، می‌توانیم بگوییم که، براساس نیاز و درخواست طلاب بود، زیرا اگر چنین نباشد، التعریفات به گونه دیگری نوشته می‌شد. او با کمک ذهنش، لغات و اصطلاحات را گردآوری کرد. لذا باعث شده که اثر منظمی نوشته نشود. ضمناً تعدادشان، کم است. میزان و کیفیت آن‌ها مناسب نیست. البته انتظار هم نداریم که ایشان همه اصطلاحات علوم مختلف را با شرحی مفصل در یک کتاب بگنجانند، زیرا کار دشواری است. اما می‌توانست اثری کامل‌تر بنویسد. این کتاب با تمام ضعف‌هایی که دارد، به جهت تقدم نگارش، کوتاه و گویا نویسی و بعضاً ارائه تعاریف ویژه، مرجعی است که بسیاری از کتاب‌ها، از جمله لغت‌نامه دهخدا، برای شرح و تعریف اصطلاحات علوم، به آن استناد کرده‌اند.

کتاب التعریفات، بارها در ایران و خارج از کشور به چاپ رسیده است، اما با نگاهی به چند چاپ منتشر شده، می‌توانیم بگوییم که هیچ‌کدام از آن‌ها مناسب نیستند. لذا ضرورت دارد که چاپ جدیدی با بررسی تطبیقی نسخه‌های خطی کتاب التعریفات انجام شود.

## منابع

- تهانوی، محمد بن علی، کشف اصطلاحات الفنون، بیروت.
- جرجانی، محمد بن علی، التعریفات، استانبول، مطبعه احمد کامل، ۱۳۲۷ هجری.
- جرجانی، محمد بن علی، التعریفات، به تحقیق و مقدمه ابراهیم ایبیری، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۵ هجری.
- جرجانی، محمد بن علی، التعریفات، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۰.
- جرجانی، محمد بن علی، التعریفات، تهران، نشر فرزانه، چاپ اول، ۱۳۷۷.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، انتشارات دانشگاه.
- شکیبانیا، مهدی و رضا پورجوادی، مجله معارف، ش ۵۷. آذر، اسفند ۱۳۸۱.
- لوری، پی‌یر، التعریفات سیدشریف جرجانی، ترجمه: ع- روح‌بخشان، مجله معارف، سال ۱۳۸۱، دوره نوزدهم، ش ۲ (مرداد، آبان).
- مدرس تبریزی، میرزا محمدعلی، ریحانه‌الادب، ج ۳، تبریز، کتابفروشی خیام، چاپ دوم.
- مشکور، محمدجوادی، هفتادوسه ملت یا اعتقادات مذاهب، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۴۱.

۱- متن پیش‌رو مکمل مدخل التعریفات دانشنامه گلستان است.

۲- شکیبانیا، مهدی و رضا پورجوادی، ص ۱۷۵.

۳- مدرس تبریزی، میرزا محمد علی، ص ۲۱۴.

۴- شکیبانیا، مهدی و رضا پور جوادی، ص ۱۷۵.

۵- لوری، پی‌یر، ص ۱۱۲.

۶- لوری، پی‌یر، ص ۱۱۶.

۷- لوری، پی‌یر، ص ۱۱۵.